**اصول: استصحاب، جلسه 18: دوشنبه 10/08/1400، استاد سید محمد جواد شبیری**

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

بحث سر این بود که در جایی که مکلّف ازش بلل مشتبهی خارج شده باشد و مردد بین بل حدث اصغر و حدث اکبر باشد آیا استصحاب بقای حدث به نحو استصحاب کلی جاری می‌شود یا جاری نمی‌شود؟ و آیا استصحابی حاکم بر این استصحاب وجود دارد یا وجود ندارد؟ خب مرحوم آقای صدر چند صورت را مطرح کردند. صورتی که عمدتاً مورد بحث هست این صورت هست که ما حالت سابق ما یقین داشته باشیم به حالت سابق ما حدث اصغر بوده.

اینجا مرحوم آقا ضیاء می‌فرمایند که چند فرض اینجا می‌شود تصویر کرد. براساس یک سری مبنای فقهی.

فرض اوّل این هست که ما یقین داریم که بین حدث اصغر و حدث اکبر تضاد نیست.

صورت دوم این‌که تضاد بین حدث اصغر و حدث اکبر باشد ولی تضاد ذاتاً نباشد حدّاً باشد.

صورت سوم این است که بین حدث اکبر و حدث اصغر تضاد ذاتی باشد.

و صورت چهارم صورتی که شک داشته باشیم که بین حدث اکبر و حدث اصغر تضاد حالا ذاتاً یا حداً وجود دارد یا شک نداشته باشیم.

این ۴ فرض را ایشان بحث می‌کنند.

در فرض اوّل که تضاد بین حدث اکبر و حدث اصغر نباشد ایشان می‌فرماید استصحاب حدث از قسم استصحاب کلی قسم ثالث هست. چون ما یقین داریم که حدث اصغر موجود است، یعنی فرض این است که چون تضادی ندارند آن حدث اصغر قطعاً الآن موجود است یعنی موجود بوده است به این معنا، آن حدث اصغر در زمان خروج بلل مشتبه موجود بوده. قبلاً که حدث اصغر بوده. آن حدث اصغر یا حدث اصغر بوده که تاثیری نداشته یا حدث اکبر بوده باز هم تاثیری نداشته. چون فرض این است که تضاد ندارند، قابل جمع هستند. پس حدث اصغر قطعاً وجود داشته. این که مشکوک هست آن این است که حدث اکبر در کنار حدث اصغر و در زمان وجود حدث اصغر موجود بوده است یا موجود نبوده است. این استصحاب کلی قسم ثالث هست، البته آن قسمی از استصحاب که همراه با وجود فرد متیقن احتمال می‌دهیم فرد دیگری هم موجود باشد. بنابراین استصحاب کلی قسم ثالث هست که بنابر این‌که ما استصحاب کلی قسم ثالث را هیچ یک از صورش را جاری ندانیم این استصحاب جاری نیست.

خب اینجا ممکن است شخصی بگوید که ما یک استصحاب دیگری می‌توانیم جاری کنیم و آن استصحاب شخصی هست. و آن این است که ما بعد از این‌که طرف وضو گرفت شک داریم حدث اصغرش برطرف شده یا برطرف نشده. بنابر این مبنا که ما حدث اصغر را می‌گوییم برای کسی که حدث اکبر ازش سر زده باشد، وضو رافع آن حدث اصغرش نیست.

شاگرد: مبنای شهید صدر را می‌گویید؟

استاد: ایشان می‌گوید مبنای مشهور و مبنای صحیحی که ایشان صحیح هم می‌دانند، بنابر این‌که کسی که حدث اکبر ازش سر زده باشد وضو رافع آن نیست. خب بنابر این مبنا. بنابراین مبنا ما می‌گوییم که استصحاب می‌کنیم بقاء حدث اصغر را بعد از وضو. چون احتمال دارد که حدث اکبر ازش سر زده باشد، بنابراین حدث اصغرش به گونه‌ای هست که وضو در آن اثرگذار نیست. این بنابراین مبنای فقهی.

آقای صدر می‌فرماید که بنابر این مبنای فقهی هم اینجا ما یک استصحاب دیگری داریم که آن استصحاب حاکم بر این استصحاب است. آن این است شکی که ما از این داریم که آیا این حدث اصغر بعد از وضو موجود است یا موجود نیست، ناشی از این است که آیا حدث اکبر ازش سر زده است یا حدث اکبر ازش سر نزده است. استصحاب عدم صدور حدث اکبر باعث می‌شود که موضوع رافعیت وضو نسبت به این استصحاب تمام بشود. چون وضوئی، وضو در صورت رافع حدث اصغر است که حدث اصغر تحقق داشته باشد و حدث اکبر در کنارش نباشد. این‌که حدث اصغر تحقق دارد که وجدانی است. این که حدث اکبر در کنارش نیست، این را با استصحاب ثابت می‌کنیم. و این، این‌که موضوع وضو، وضو رافعیت وضو نسبت به حدث مرکب از این دو جزء هست امر شرعی است. چون فرض این است که مبنای فقهی، این یک امر عقلی نیست که وضو در صورتی رافع حدث است که همراهش حدث اکبر نباشد. شرعاً وضوئی رافع حدث اصغر است که در کنارش حدث اکبر نباشد. بنابراین با استصحاب عدم حدث اکبر، عدم صدور حدث اکبر ما اثبات می‌کنیم که این وضوی ما، وضویی است که حدث اکبر در کنارش نیست، بنابراین با آن وضویی که. حدث اصغر ما حدث اصغری است که حدث اکبر در کنارش نیست، بنابراین وضویی که از ما سر زده آن حدث اصغر را از بین برده است و رفع کرده است. آن تسبب شرعی هست و هیچ مشکلی در اینجا نیست.

شاگرد: تقییدی باشد یا ترکیبی باشد؟ ۸:۳۹

استاد: نه، این قطعاً ترکیبی است، چون یک چیز. قطعاً یعنی چون ما می‌دانستیم حدث اصغری است که حدث اکبر کنارش نباشد.

شاگرد: ؟؟؟ به این است که حدث اکبر

استاد: تقیید حالا، اسم تقیید و، تقیید و ترکیب را خیلی تأکید نکنید. من خیلی به آن چیزهایش نمی‌خواهم اصلاً وارد بشوم، تقیید یعنی چی؟ ترکیب یعنی چی؟ آنهایش یک کمی، این موضوع در همۀ چیزها، در همۀ استصحاباتی که ما داریم به همین شکل است. بین این نحوها به هر حال، لباسی باید باشد که پاک باشد. من لباس پاک را در نماز باید بپوشم. همین اگر آنجور باشد همۀ آن چیزها. این‌که این من دارم می‌پوشم لباس هست که وجدانی است، پاک بودنش هم با استصحاب ثابت می‌کنیم، امثال اینها. یک مواردی که آدم، وضو گرفتن با آب طاهر تطهیر می‌آورد، حدث را از بین می‌برد. آب بودن آب وجدانی است. یعنی تمام مثال‌های واضح استصحاب همه از این. حالا اسمش را هر چیزی می‌خواهید بگذارید، خیلی من تقییدی و ترکیبی و امثال اینها که حالا ضابطه‌اش چی است، ضابطه‌اش چی نیست، چون خیلی خودش پیچیدگی‌هایی دارد که اینها واضح‌تر است که در اینجا استصحاب جاری می‌شود از این‌که بخواهیم به آن پیچیدگی‌ها بپردازیم و اینها. آن پیچیدگی‌ها بیشتر در بحث‌های استصحاب عدم ازلی و از آن بحث‌ها فایده‌بخش هست. و آن استصحاب عدم ازلی ما ذاتاً آنها را قبول نداریم. یکی دیگر این بحث‌ها اصلاً نپرداختیم چون تشخیص مصداقش را، تشخیص ضابطۀ فرد، تمییز است، تقیید هست، ترکیب است خیلی سخت است. خب بماند.

خب این بیان اوّل مرحوم، صورت اوّل مرحوم آقای صدر. به ذهنم رسید کل صور را عرض بکنم بعد یک جا آن بحثی را در همان جایی که خود آقای صدر بحث را دنبال کردند همانجا بحث را تکمیل کنم. بنابراین این قسم اوّل.

قسم ثانی این هست که تضاد بین حدثین به حسب مرتبه و حد قائل باشیم. مثل سواد شدید مع سواد الضعیف. ایشان می‌گوید محقق عراقی فرمودند که اینجا استصحاب شخص جاری می‌شود. یعنی به این معنا که ما نمی‌دانیم آن وضویی که قبلاً داشتیم این وضو هنوز به آن حالت قبلی خودش باقی هست یا باقی نیست. سواد شدید یعنی این که اگر وضو همراه حدث اکبر باشد، معذرت می‌خواهم حدث اصغر همراه حدث اکبر باشد یک حدث اصغر خفیفی است. این حدث اصغر همراه حدث اکبر که باشد خود آن حدث اصغر شدید می‌شود. و این شدتش، اثرش این است که برای رافعش حتماً باید غسل باشد. وضو دیگر رافعش نیست. این‌که بگوییم.

بنابراین ایشان می‌گوید که ما استصحاب می‌کنیم، اینجا استصحاب بعد از وضو گرفتن نمی‌دانیم آن وضویی که داشت، حدث اصغری که داشتیم برطرف شده است یا برطرف نشده است. استصحاب به اصطلاح حدث اصغر می‌کنیم. استصحاب می‌کنیم هم حدث اصغر را مانعی ندارد.

شاگرد: حد ضعیف را

استاد: حد ضعیف را. نه نه. استصحاب می‌کنیم که آن مرتبۀ ضعیفۀ از حدث اصغر یقین داریم، نمی‌دانیم این مرتبۀ ضعیفه بعد از وضو آیا برطرف شده است یا برطرف نشده است، اینجوری.

شاگرد: بعد از بلل ۱۳:۳۱ نمی‌دانید شدید شده

استاد: نه این‌که شدید شده یا نه، بعد از بلل، بعد از وضو. بعد از وضویی که صادر شده، بعد از وضو آیا آن حدث اصغر که ما یقین داشتیم، یک حدث اصغر شدید وجود داشته. این حدث اصغر ممکن است شدید شده باشد، ممکن است شدید نشده باشد. استصحاب می‌کنیم که آن حدث اصغر هنوز موجود هست بعد از وضو.

شاگرد:

استاد: رافعیت وضو

شاگرد: همان فرض شهید صدر را می‌گوید؟

استاد: حالا من یک کمی متفاوت با کلام آقای صدر، شاید تعبیر را، تعبیر بکنم. ببینیم می‌خواهیم ببینیم اگر وضویی سر زده آیا آن حدث اصغر شخصی هنوز موجود است یا موجود نیست؟ اگر آن حدث اصغر به مرتبۀ خفیفش باقی مانده باشد از بین رفته است. به مرتبۀ شدید رسیده باشد از بین نرفته، بنابراین استصحاب می‌کنیم بقای وضو را. خب آقای صدر می‌فرماید که این استصحاب یک استصحاب حاکم دارد، آن استصحاب این هست که نمی‌دانیم استصحاب، مرتبۀ خفیف تبدیل به مرتبۀ شدید شده است یا نشده است. استصحاب بقاء وضو علی مرتبته الخفیفة. و این تفاوت مرتبۀ خفیف و شدید هم تفاوتی است که، تفاوت شرعی است، فرض این است که احکامش فرق دارد. حدث اصغر اگر در مرتبۀ خفیف باشد وضو رافعش است. اگر در مرتبۀ شدید باشد غسل رافعش است. ما نمی‌دانیم حدث اصغر در مرتبۀ خفیفش باقی مانده است که وضو رافعش باشد، یا به مرتبۀ شدید رسیده است که غسل رافعش باشد. اصل این است که حدث اصغر بر همان مرتبۀ خفیفش باشد که وضو رافعش باشد. این چیز شرعی است دیگر. نتیجه‌اش این هست که وقتی شارع گفتش که این حدث اصغر در همان مرتبۀ خفیفش هست بنابراین وضو رافعش هم هست. خب این بحث این هم این دو قسم.

فرض سوم این‌که، البته ۴ فرض ایشان کرده من ۳ فرضش را الآن طرح می‌کنم چون بحث فرض چهارمش متفاوت هست با این ۳ فرض. فرض چهارمش این هست که ما تضاد بین الحدثین قائل باشیم. خب نتیجۀ تضاد بین الحدثین چی است؟ نتیجه‌اش این هست که حدث اصغر اگر حدث اکبر سر زده باشد به دلیل تضادی که هست آن حدث اصغر از بین رفته، حدث اکبر جایگزینش شده. اگر حدث اصغر سر زده باشد خب این حدث جدیدی که در این بلل مشتبه با بلل مشتبه تحقق پیدا کرده اثری ندارد. بلل مشتبه تأثیری در آن حدث شخص نداشته. خب ایشان می‌گوید این استصحاب کلی قسم ثانی هست که ما اینجا داریم. ما بعد از خروج بلل مشتبه یقین داریم که یا حدث اکبر دارد یا حدث اصغر. اگر آن بلل مشتبه منی باشد، حدثش حدث اکبر است. اگر بلل مشتبه بول باشد، آن حدثش، حدث اصغر است. خب استصحاب می‌کنیم کلی حدث را بعد از صدور وضو از شخص. در نتیجه باید علاوه بر وضو غسل هم بکند. و یقین کند که این حدث کلی که دارد از بین رفته باشد.

شاگرد: و این هم مفهومی

استاد: حالا این هم.

آقای صدر اینجا می‌فرماید، بنابراین آقای آقا ضیاء می‌گوید چون مشهور فقها فرمودند که اینجا وضو کفایت می‌کند. کفایت وضو در اینجا کاشف از این هست که بین حدثین تضاد قائل نیستند. و الا اگر بین حدثین تضاد قائل باشند باید قائل به این بشوند که وضو کافی نیست.

شاگرد: گفتند غسل لازم نیست دیگر؟

استاد: گفتند غسل لازم نیست. البته آقایان فعلی نمی‌گویم. آقایان فعلی می‌گویند غسل لازم است و روی همین کلی قسم ثانی و امثال اینها. ولی می‌گوید مشهور قائل هستند که غسل لازم نیست بنابراین چون گفتند غسل لازم نیست این کشف می‌کند که مبنایشان عدم تضاد بین حدثین هست. ایشان اینجوری تقریب می‌کنند.

آقای صدر می‌فرمایند که ولی صحیح این هست که تقریب کلام مشهور را به این شکل نکنیم. کلام مشهور را به گونۀ دیگری، یک مبنای دیگری کلام مشهور دارد که لازم نیست به این بحث‌ها پیش برویم. آن این هست که در آیۀ شریفۀ «**إِذا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرافِقِ**» تا آخر «**وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا**»

این قمتم الی الصلاة در روایات تفسیر شده که قمتم من النوم الی الصلاة. اینجا نوم خصوصیتی یک کمی با تغییر من دارم کلام آقای صدر را نقل می‌کنم. نوم خصوصیت ندارد از نوم الغای خصوصیت می‌کنیم، مراد از نوم مطلق حدث اصغر می‌گیریم. کأنّه اذا کنتم محدثین بالحدث الاصغر فتوضئوا. این محدثین بالحدث الاصغر این مَقْسَم هست، در ذیل مَقْسَم را با توجه به ان کنتم جنبا تقسیم کرده به دو قسم. با توجه به ذیل. کأنّ می‌گوید که اگر محدث به حدث اصغر جنب باشد باید غسل کند. اگر جنب نباشد باید وضو بگیرد. بنابراین وضو در حق کسی است که محدث به حدث اصغر باشد و محدث به حدث اکبر نباشد. موضوع وضو و رافعیت وضو مرکب از دو جزء است. حدث اصغر و عدم حدث اکبر. و ما در اینجا استصحاب عدم حدث اکبر می‌کنیم. استصحاب عدم حدث اکبر که کردیم معنایش این هست که حدث اصغر که وجداناً محقق است، عدم حدث اکبر هم با تعبد ثابت می‌شود، بنابراین وضو رافعش هست. دیگر نیازی به غسل ندارد. این مبنای مشهور که کفایة الوضو هست را این شکلی می‌توانیم بحث کنیم.

امروز دیر آمد نشد، تیتر مباحث بعدی را بگویم توضیحش باشد فردا. چند مرحله باید بحث کرد. یک بحث این است که آیا این مبنایی که ایشان می‌گوید درست است یا درست نیست، یک. مبنایی دومی، اصل مطلب ایشان درست هست یا درست نیست. آیا حتماً باید ما قائل به این مبنا باشیم تا این مطلب را قائل بشویم، یا نیازی نیست ما قائل به این مبنا باشیم. راه حل‌های دیگری هم وجود دارد برای این‌که همین مطلب آقای صدر را ما اینجا نتیجه بگیریم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد.

پایان